

ایران معبد ماست

هویت ایرانی و بازسازی اخلاق مشترک در جامعه آزاد

دکتر پیمان بخشایش

MD, PhD, MBA

جراح تروما و ارتوپدی، فعال سیاسی و تحلیلگر

۱۷ مهر ۱۴۰۵ برابر با ۹ اکتبر ۲۰۲۶



تصویر هنری پیمان بخشایش با نشان فروهر؛ نماد شخصی وفاداری به ایران و مسئولیت اخلاقی در برابر مردم و سرزمین آن.

من انسانی غیرمذهبی‌ام و ایرانی‌ام. فروهر برای من یادآور تعهد به پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک و مسئولیت ساختن فردای ایران است.

چکیده

تعبیر «ایران معبد ماست» می‌تواند زبان مشترکی برای پیوند تعلق ملی با مسئولیت اخلاقی فراهم کند. مسئله این مقاله آن است که چگونه، در افق گذار از جمهوری اسلامی، می‌توان از فرهنگ ایرانی برای بازسازی اعتماد، همبستگی و اخلاق عمومی بهره گرفت و هم‌زمان آزادی دین و بی‌دینی را تضمین کرد. با مرور منابع تاریخی، پژوهش‌های فرهنگ ایرانی، پرونده‌های میراث ناملموس یونسکو و نوشته‌های نویسندگان، میان منشأ تاریخی آیین‌ها، صورت‌های زنده آنها و پیشنهادهای امروزی تمایز گذاشته می‌شود. نتیجه این است که نوروز، جشن‌های آب و آتش، گاهنبارها، روایت‌های حماسی و سنت‌های محلی، منابعی برای آموزش مسئولیت مشترک‌اند؛ اما همه آنها در اصل غیرمذهبی نبوده‌اند و هیچ‌کدام به‌تنهایی برابری حقوقی یا سلامت نهادهای عمومی را تضمین نمی‌کنند. مکتب پیشنهادی این مقاله، ایرانی‌بودن را به شهروندی برابر، آزادی وجدان، راست‌گویی، پاسخگویی، احترام به زنان و کودکان و سالمندان، و حفاظت از طبیعت پیوند می‌دهد. اعتبار این مکتب باید در رفتار و نهادهای قابل ارزیابی آشکار شود. وفاداری به ایران هنگامی اخلاقی است که حقوق همه ایرانیان، از جمله مخالفان و پیروان باورهای گوناگون، در آن محفوظ بماند.

کلیدواژه‌ها

هویت ایرانی، اخلاق مدنی، شاهزاده رضا پهلوی، آزادی وجدان، جشن‌های ایرانی، فروهر، بازسازی ایران

روش و دامنه مقاله

این نوشته پژوهش تجربی تازه یا مرور نظام‌مند نیست؛ مقاله‌ای تحلیلی مبتنی بر مرور هدفمند منابع است. منابع تاریخی و مردم‌شناختی برای توصیف آیین‌ها، اسناد یونسکو برای صورت‌های ثبت‌شده میراث، و اسناد حقوق بشر برای معیارهای حقوقی و اخلاقی به کار رفته‌اند. کتاب «مردم من» و مقاله‌های وبسایت نویسندگان، مبنای بازسازی دیدگاه شخصی و سیاسی او هستند. نقل عبارت شاهزاده از وبسایت رسمی کارزار «ایران رو پس می‌گیریم» تأیید شده است؛ تفسیر گسترده‌ای که در این مقاله عرضه می‌شود، برداشت نویسنده است. پیوند دادن جشن‌ها به فعالیت‌های مدنی امروز نیز پیشنهاد است، نه ادعایی درباره قصد همه برگزارکنندگان تاریخی. تاریخ مراجعه به منابع برخط: ۹ اکتبر ۲۰۲۶.

۱. معنای ایران معبد ماست

عبارت «ایران معبد ماست» با نام شاهزاده رضا پهلوی در وبسایت رسمی کارزار «ایران رو پس می‌گیریم» آمده است. من این تعبیر را دعوتی به مسئولیت در برابر یک سرزمین و مردمان آن می‌فهمم: ایران باید موضوع مراقبت، وفاداری و ساختن باشد. در این برداشت، معبد استعاره‌ای از حرمت خانه مشترک است؛ خانه‌ای که در آن جان انسان، آب رودخانه، خاک مزرعه، زبان و خاطره، و آینده کودک ایرانی ارزش دارند. این تعبیر وقتی معنا پیدا می‌کند که تعلق ملی را به وظیفه‌ای روزانه تبدیل کنیم. [۱]

معبودن ایران برای من به معنای آن است که خیانت به اعتماد عمومی، تخریب محیط زیست، تحقیر زن، آزار کودک و غارت دارایی ملی، با ادعای میهن‌دوستی سازگار نیست. کسی که برای ایران شعار می‌دهد و از منابع آن می‌دزدد، مسئولیت ملی خود را نقض کرده است. کسی که نشان ایرانی برگردن دارد اما آزادی دیگری را زیر پا می‌گذارد، میان نماد و رفتار خود فاصله انداخته است. ارزش یک نماد را رفتار حامل آن روشن می‌کند. این تفسیر را با اصل بنیادی کتاب «مردم من» پیوند می‌دهم: ایران از آن مؤمن و نامؤمن، زن و مرد و ایرانیان با زبان‌ها و پیشینه‌های گوناگون است. حق شهروندی از میزان شباهت فرد به باور سیاسی یا دینی من به دست نمی‌آید. حرمت ایران باید از حرمت انسان ایرانی آغاز شود و به رفتار محترمانه با دیگر انسان‌ها نیز گسترش یابد. همبستگی ملی وقتی پایدار است که کسی برای پذیرفته‌شدن ناچار به پنهان کردن وجدان خود نباشد. [۲]

۲. آزادی باور پس از حکومت دینی

در افق فروپاشی جمهوری اسلامی، می‌توان انتظار داشت که بخشی از جامعه به سبب تجربه اجبار و خشونت با نام دین، نسبت به دین رسمی خشمگین یا بی‌اعتماد باشد. شدت و گستره این واکنش باید با پژوهش معتبر سنجیده شود؛ نمی‌توان از پیش آن را به همه ایرانیان نسبت داد. مسئولیت یک جنبش ملی آن است که این رنج را بشناسد و هم‌زمان مانع تبدیل شدن دادخواهی به تبعیض تازه شود. رسیدگی به جرم باید متوجه رفتار و مسئولیت فردی باشد و با سند و دادرسی عادلانه انجام گیرد. [۲]، [۳]

ایران آزاد همچنان مسلمان، زرتشتی، یهودی، مسیحی، بهائی و پیرو باورهای دیگر، و نیز انسان بی‌دین خواهد داشت. اصل راهنما، آزادی وجدان و برابری در برابر قانون است. اعلامیه جهانی حقوق بشر بر برابری انسان‌ها، منع تبعیض و آزادی اندیشه، وجدان و دین تأکید می‌کند؛ توضیح حقوقی سازمان ملل درباره آزادی دین و باور نیز حمایت از باورهای غیرمذهبی را در این چارچوب روشن می‌سازد. از این اصول، حمایت برابر از حق ایمان، تغییر باور و نداشتن باور دینی نتیجه می‌شود. [۴]، [۵]

اگر شهروندی بگوید «من ایرانی‌ام و مسلمان نیستم»، او حق دارد هویت شخصی خود را چنین تعریف کند. این جمله هنگامی در خدمت آزادی است که در کنار آن، ایرانی مسلمان نیز بتواند بدون امتیاز ویژه و بدون محرومیت زندگی کند. نسبت دادن یک کارزار مشخص با این عنوان به شاهزاده، نیازمند سند مستقل است؛ استدلال این مقاله بر دفاع از حق بیان فردی و تعلق ملی مشترک تکیه دارد. ایرانی بودن نباید آزمون خروج از یک دین یا ورود به عقیده‌ای دیگر شود.

دینی که فرد آزادانه برمی‌گزیند، می‌تواند برای او سرچشمه معنا، مهربانی و خودداری اخلاقی باشد. جامعه آزاد نیز باید بتواند نقد دین و نقد بی‌دینی را تحمل کند. معیار عمومی برخورد با هر رفتار، حقوق دیگران و قانون عادلانه است. پوشش، عبادت و زندگی خصوصی انسان‌ها موضوع انتخاب خود آنان است؛ زورگویی، فساد و تبعیض باید به سبب زیان واقعی‌شان پاسخگو شوند. در کتاب «مردم من»، سکولاریسم با همین شهروندی برابر و استقلال حکومت از تحمیل عقیده پیوند خورده است. [۲]

۳. فرهنگ مشترک و اخلاق قابل آموزش

جامعه برای ادامه زندگی به عادات‌هایی نیاز دارد که اعتماد را ممکن کنند: وفای به عهد، مراقبت از ضعیف‌تر، قبول مسئولیت، احترام به حریم خصوصی و توان گفت‌وگو. قانون ضمانت بیرونی می‌آورد؛ تربیت و فرهنگ می‌توانند این ارزش‌ها را به عادت درونی نزدیک کنند. تقویمی که خانواده و همسایه را به دیدار و همکاری فرا می‌خواند، یا داستانی که درباره عدالت و پیامد غرور پرسش می‌سازد، امکان چنین آموزش‌هایی را فراهم می‌کند. نتیجه به شیوه اجرا و شرایط اجتماعی وابسته است.

برای توضیح نقش فرهنگ می‌توان به جوامع دیگر نگاه کرد، اما از ملیت یا دین یک فرد نمی‌توان لباس، شخصیت و رفتار او را پیش‌بینی کرد. جامعه ژاپن، جامعه اسرائیل و جوامع یهودی خود متنوع‌اند؛ یهودی بودن

نیز با تابعیت اسرائیلی یکسان نیست. مقایسه سودمند باید درباره مدرسه، قانون، حافظه جمعی و شیوه همکاری باشد. در «مردم من» نیز مقایسه ملت‌ها با توجه به تفاوت تاریخ و شرایط آنها مطرح شده است. فرهنگ مشترک، ظرفیت یادگیری می‌آفریند؛ افراد را در قالبی ثابت زندانی نمی‌کند. [۲]

شواهد پژوهشی درباره آیین‌های جمعی، امکان برخی سازوکارهای پیوند اجتماعی را نشان می‌دهند. برای نمونه، مطالعه‌ای درباره آیین راه‌رفتن بر آتش در اسپانیا، در ۳۸ شرکت‌کننده و تماشاگر، الگوهای هم‌زمانی برانگیختگی بدنی میان اجراکنندگان و تماشاگران دارای پیوند اجتماعی را گزارش کرد. این یافته درباره یک موقعیت مشخص است؛ از آن نمی‌توان نتیجه گرفت که جشن ملی حتماً فساد را کم می‌کند یا افراط‌گرایی را از میان می‌برد. برای چنین ادعایی، داده‌های مستقلی درباره رفتار، آموزش و نهادها لازم است. [۶]

پیشنهاد من این است که فرهنگ ایرانی به زبانی برای تمرین اخلاق تبدیل شود. کودک باید در جشن، احترام به انتخاب دیگری را تجربه کند؛ جوان باید بتواند با همکاری خود به محله کمک کند؛ مسئول عمومی باید در برابر همان جامعه‌ای که با آن جشن می‌گیرد، پاسخگو باشد. احساس تعلق زمانی به سرمایه اخلاقی بدل می‌شود که با مهارت، فرصت مشارکت و قواعد منصفانه همراه شود.

۴. میراث ایرانی و مسئله منشأ مذهبی

برای دفاع علمی از فرهنگ ایرانی، باید تاریخ آن را با دقت بیان کنیم. بسیاری از جشن‌ها با تغییر فصل، آب، رویش و زندگی کشاورزی پیوند دارند؛ بعضی نیز در چارچوب دین زرتشتی شکل گرفته یا تفسیر شده‌اند. مری بویس در بررسی جشن‌ها و گاهنبارها، از پیوند تقویم دینی با جشن‌های جمعی و چرخه فصل‌ها سخن می‌گوید. بنابراین نسبت دادن منشأ کاملاً غیرمذهبی به همه این آیین‌ها درست نیست. منشأ تاریخی و امکان مشارکت فرهنگی امروز، دو موضوع جداگانه‌اند. [۷]، [۸]

همین تمایز، استدلال ما را استوارتر می‌کند. یک آیین می‌تواند برای یک خانواده عبادت، برای خانواده‌ای دیگر خاطره فرهنگی، و برای خانواده سوم فرصتی برای دیدار و کمک باشد. نوروز در دوران اسلامی نیز ادامه یافت و در صورت‌های اجتماعی تازه زندگی کرد؛ پژوهش ایرانیکا این دوام را با حافظه و هویت ایرانی مرتبط می‌داند. هویت ایرانی در طول زمان، از راه گفت‌وگو و دگرگونی حفظ شده است. [۹]

از سوی دیگر، ایرانی بودن فقط به گذشته باستان محدود نمی‌شود. ادبیات و هنر پس از اسلام، سنت‌های محلی، زبان‌های ایرانیان و تجربه‌های معاصر نیز بخشی از فرهنگ ما هستند. حذف این لایه‌ها، تاریخ واقعی کشور را فقیر می‌کند. ما می‌توانیم با اجبار دینی مخالفت کنیم و در عین حال شعر، معماری، موسیقی و اخلاق انسانی پدیدآمده در محیط‌های دینی را نیز بشناسیم. حفظ میراث، به معنی پذیرش هر حکم یا هر رفتار گذشته نیست.

جدول‌های بعد فهرستی گسترده از جشن‌ها و سنت‌های شناخته‌شده‌اند، نه ادعای احصای تمام رسم‌های هر روستا و هر خانواده. برخی فراگیرند؛ برخی بیشتر در جامعه زرتشتی برگزار می‌شوند؛ برخی محلی یا تاریخی‌اند و امروز در همه جا استمرار ندارند. نام‌ها و تاریخ‌ها نیز در گویش‌ها و تقویم‌های مختلف تفاوت دارند. این گوناگونی باید در هر برنامه فرهنگی به رسمیت شناخته شود.

۵. جشن‌های عمومی و چرخه سال

در جدول ۱، زمان‌های رایج تقویم رسمی هجری خورشیدی نوشته شده است. نوروز در سطح بین‌المللی در ۲۱ مارس گرامی داشته می‌شود، اما لحظه تحویل سال با اعتدال بهاری تعیین می‌شود و الزاماً در همه سال‌ها و مناطق بر همان ساعت و روز میلادی نمی‌افتد. یونسکو، نوروز و چند جشن دیگر را میراث مشترک چند کشور معرفی می‌کند؛ این اشتراک، تعلق آنها به فرهنگ ایران را نفی نمی‌کند و نشان می‌دهد که فرهنگ از مرز سیاسی گسترده‌تر است. [۱۰]، [۱۱]، [۱۲]، [۱۳]

جدول ۱. جشن‌های عمومی و شناخته‌شده در چرخه سال

جشن و زمان رایج	شرح و پیوند تاریخی	صورت فرهنگی و مسئولیت امروز
نوروز آغاز فروردین	جشن نوسازی سال در آستانه بهار؛ دارای پیشینه پیش از اسلام و استمرار در دوره اسلامی. امروز آیینی فرامرزی و مشترک در جامعه‌های گوناگون است. [۹]، [۱۰]	دیدار، آشتی، هدیه و امید به آغاز تازه؛ فرصت مشارکت همگان بدون الزام به یک‌باور.

جشن و زمان رایج	شرح و پیوند تاریخی	صورت فرهنگی و مسئولیت امروز
چهارشنبه سوری شامگاه سه شنبه پیش از آخرین چهارشنبه سال	آتش، شادی و رسم‌های محلی پیش از نوروز. منشأ دقیق صورت امروزی محل بحث است و همه جزئیات آن را نمی‌توان مستقیم به باستان نسبت داد. [۱۴]	شادی امن، حفظ حق همسایه و مراقبت از کودک و جانور؛ پرهیز از انفجار و ایجاد آسیب.
سیزده‌به‌در ۱۳ فروردین	گردهمایی خانوادگی در فضای باز در پایان دوره نوروز؛ در توصیف آیین‌های نوروزی ثبت شده است. [۹]	رابطه با طبیعت و فراغت جمعی؛ بازگرداندن زباله، حفظ زیستگاه و احترام به دسترسی عمومی.
یلدا یا شب چله شب ۳۰ آذر به ۱ دی	گردهمایی در آستانه زمستان؛ در پرونده مشترک ایران و افغانستان در یونسکو ثبت شده است. [۱۱]	هم‌نشینی نسل‌ها، میوه و قصه و شعر؛ توجه به تنهایی سالمند و فرصت برابر حضور اعضای خانواده.
سده زمان رایج: ۱۰ بهمن	جشن آتش در زمستان؛ دارای روایت‌های اسطوره‌ای و تاریخی متعدد و صورت‌های محلی. ثبت مشترک ایران و تاجیکستان در یونسکو. [۱۲]، [۱۵]	حفظ سنت با ایمنی و مشارکت داوطلبانه؛ همراه کردن گرمای جمعی با کمک به نیازمندان.
تیرگان و مهرگان تاریخ سنتی در جدول ۲	تیرگان با یاد آب و روایت آرش، و مهرگان با مهر و موسم برداشت پیوند یافته‌اند. مهرگان در پرونده یونسکو نیز جشن دینی و برداشت محصول معرفی می‌شود. [۱۳]، [۱۶]	در کنار صورت دینی، امکان جشن فرهنگی عمومی؛ توجه به آب، کشاورز، پیمان و همکاری.

ستون سوم، پیشنهاد امروزی نویسنده است و نباید آن را شرح همه اجراهای تاریخی دانست. صورت‌های محلی جشن‌ها متفاوت‌اند.

۶. جشن‌های ماهانه در تقویم زرتشتی

در تقویم سنتی زرتشتی، نام روزها اهمیت دینی دارد و هم‌نام‌شدن روز و ماه، مبنای جشن‌های ماهانه است. جدول ۲ نام و روز سنتی آنها را نشان می‌دهد. این روزها را نباید بدون تبدیل تقویمی، همان تاریخ تقویم رسمی امروز گرفت: طول ماه‌ها و شیوه کبیسه‌گیری یکسان نیست و تقویم‌های فصلی، قدیمی و شاهنشاهی نیز تفاوت دارند. حتی برای مهرگان و سپندارمذگان در برگزاری‌های امروزی چند تاریخ رواج دارد. [۷]، [۱۶]، [۱۷]

این جشن‌ها میراث زنده زرتشتیان‌اند. مشارکت عمومی در آنها باید با احترام به صاحبان این سنت و آزادی انتخاب صورت گیرد. در جدول، معنای دینی به اختصار بیان شده است؛ ارزش‌هایی که می‌توان برای آموزش شهروندی امروز از آنها الهام گرفت، ترجمه اخلاقی پیشنهادی من است. ادعای اینکه جامعه امروز ایران همه این جشن‌ها را به یک اندازه برگزار می‌کند، پشتوانه‌ای ندارد.

جدول ۲. دوازده جشن ماهانه و روزهای هم‌نام در تقویم سنتی

جشن و روز سنتی	موضوع و جایگاه تاریخی دینی	الهام اخلاقی پیشنهادی
فروردینگان ۱۹ فروردین	یاد فروشی‌ها و درگذشتگان. [۱۶] [۱۷]	حفظ خاطره، مراقبت از بازماندگان و حرمت جان.
اردیبهشتگان ۳ اردیبهشت	راستی و نظم نیک؛ پیوند با آتش. [۱۶] [۱۷]	راست‌گویی، انصاف و مسئولیت در گفتار.
خردادگان ۶ خرداد	کمال و تمامیت؛ پیوند با آب. [۱۶] [۱۷]	حفاظت از آب و دسترسی منصفانه به آن.
تیرگان ۱۳ تیر	تیشتر و باران؛ روایت آرش و رسم تیر و باد. [۱۶]، [۱۸]	مسئولیت در برابر سرزمین و مصرف سنجیده آب.
امردادگان ۷ امرداد	بی‌مرگی و پاسداری گیاهان. [۱۶] [۱۷]	حفاظت از پوشش گیاهی و مراقبت بلندمدت از درخت.

جشن و روز سنتی	موضوع و جایگاه تاریخی دینی	الهام اخلاقی پیشنهادی
شهریورگان ۴ شهریور	شهریاری مطلوب؛ پیوند با فلزات. [۱۶]، [۱۷]	قدرت پاسخگو و مدیریت درست منابع عمومی.
مهرگان ۱۶ مهر	مهر و پیمان؛ پیوند با برداشت پاییزی. [۱۳]، [۱۶]	وفای به عهد، انصاف در معامله و قدرشناسی از کار.
آبانگان ۱۰ آبان	بزرگداشت آب‌ها. [۱۶]، [۱۷]	حفاظت از رودخانه، تالاب و منابع آب زیرزمینی.
آذرگان ۹ آذر	بزرگداشت آتش. [۱۶]، [۱۷]	دانش و ایمنی در بهره‌برداری از انرژی.
دیگان ۱، ۸، ۱۵ و ۲۳ دی	چهار روز وابسته به نام اهورامزدا در ماه دی. [۱۶]، [۱۷]	وقفه‌ای برای دیدار، همکاری و بازبینی مسئولیت‌ها.
بهمنگان ۲ بهمن	اندیشه نیک؛ پیوند با جانوران. [۱۶]، [۱۷]	پرهیز از آزار جانور و پرورش دآوری سنجیده.
سپندارمذگان یا اسفندگان ۵ اسفند	سپندارمذ، زمین و پارسایی؛ سنت‌های بزرگداشت زنان. [۱۶]، [۱۷]	احترام به زمین و برابری حقوقی زن و مرد؛ فراتر از نقش خانوادگی.

تاریخ‌ها متعلق به تقویم سنتی نام‌روزها هستند؛ برای تعیین روز برگزاری در تقویم رسمی هر سال، باید تقویم مورد استفاده جامعه برگزارکننده بررسی شود. جدول تاریخی، تقویم اجرایی یک سال معین نیست.

۷. گاهنبارها و زندگی کشاورزی

گاهنبارها شش جشن موسمی زرتشتی‌اند که در دوره‌های پنج‌روزه برگزار می‌شوند. نام چند گاهنبار به فصل، برداشت یا بازگشت دام‌ها اشاره دارد و در تفسیر دینی با مراحل آفرینش پیوند یافته‌اند. بویس درباره زمان دقیق پیدایش آنها قطعیت نمی‌دهد. در توضیح جامعه زرتشتی امروز نیز کمک‌کردن متناسب با توان و

گردهمایی برای یاری دیگران برجسته است. این سنت، نمونه‌ای روشن از پیوند زندگی معیشتی، معنای دینی و همکاری اجتماعی است. [۸]، [۱۶]

می‌توان از گاهنبار الهام گرفت و در جامعه امروز سفره‌ای مشترک یا برنامه‌ای برای حمایت از نیازمند سامان داد؛ اما این بازخوانی باید روشن و داوطلبانه باشد. ارزش آن در حضور برابر و احترام به کرامت دریافت‌کننده کمک است. کشاورزی امروز نیز به دانش آب، خاک، اقلیم و اقتصاد نیاز دارد. جشن فصل، وقتی با این دانش پیوند بخورد، می‌تواند حس مسئولیت را به اقدام مفید نزدیک کند.

جدول ۳. شش گاهنبار و پیوند موسمی و دینی آنها

نام و زمان سنتی	معنای موسمی یا تاریخی	پیوند در تفسیر زرتشتی
میدوژرم ۱۱ تا ۱۵ اردیبهشت	میانه رویش بهاری. [۸]، [۱۶]	آسمان. [۸]، [۱۶]
میدوشهم ۱۱ تا ۱۵ تیر	میانه تابستان در نام موسمی. [۸]، [۱۶]	آب. [۸]، [۱۶]
پیتی‌شهم ۲۶ تا ۳۰ شهریور	موسم گردآوری محصول. [۸]، [۱۶]	زمین. [۸]، [۱۶]
ایاثرم ۲۶ تا ۳۰ مهر	بازگشت گله‌ها از چراگاه. [۸]، [۱۶]	گیاهان. [۸]، [۱۶]
میدیارم ۱۶ تا ۲۰ دی	نامی با معنای میانه سال؛ جایگاه زمستانی در تقویم فصلی. [۸]، [۱۶]	جانوران. [۸]، [۱۶]
همسپَتمیدیم پنج روز گاهانی پایان سال	جشن پایان سال؛ معنای دقیق نام محل بحث است. [۸]، [۱۶]	انسان و یاد فروشی‌ها. [۸]، [۱۶]

تاریخ‌های این جدول نیز در تقویم زرتشتی‌اند. موقعیت فصل در نام کهن، لزوماً با زمان برگزاری در همه تقویم‌های زرتشتی امروز منطبق نیست.

۸. سنت‌های خانوادگی و صورت‌های محلی

حافظه ایرانی در سفره، خانه، محله و زبان محلی نیز زندگی می‌کند. خانه‌تکانی می‌تواند همکاری باشد یا بار نابرابری که بر دوش زنان گذاشته می‌شود؛ دیدوبازدید می‌تواند محبت باشد یا فشاری برای پنهان کردن اختلاف؛ هدیه می‌تواند شادی بسازد یا به نمایش توان مالی تبدیل شود. بازسازی اخلاقی، به این جزئیات توجه می‌کند. همان رسم، با قواعد متفاوت می‌تواند تجربه‌ای عادلانه‌تر یا آزاردهنده‌تر بسازد.

درباره هفت‌سین باید از قطعیت‌های بی‌سند پرهیز کرد. پژوهش ایرانیکا اجزای سفره و تفاوت‌های آن را شرح می‌دهد؛ نسبت‌دادن تمام آرایش امروزی آن به دوره هخامنشی نیازمند شاهد است. حضور کتاب نیز می‌تواند در خانواده‌های مختلف صورت‌های متفاوت داشته باشد. در بازخوانی پیشنهادی من، سفره‌ای با حافظ، شاهنامه، کتابی دینی یا بدون کتاب، حق انتخاب خانواده است و ارزش شخص را تعیین نمی‌کند. [۱۹]

نمونه‌های محلی نشان می‌دهند که فصل، دین و فرهنگ در عمل مرزهای کاملاً جدا ندارند. پژوهش حبیب برجیان درباره اسبندی کاشان، تفاوت تقویم محلی با تقویم رسمی و پیوند رسم با زندگی روستایی را نشان می‌دهد. پژوهش تازه‌تر او درباره شصت‌وششی جرقویه نیز ارتباط یک جشن محلی با خردادگان و حضور لایه‌های مذهبی متأخر را بررسی می‌کند. این نمونه‌ها را نباید بدون مطالعه به کل ایران تعمیم داد. [۲۰]، [۲۱]

جدول ۴. رسم‌های خانوادگی و نمونه‌های تاریخی و محلی

سنت و موقعیت	شرح و دامنه	بازخوانی اخلاقی پیشنهادی
خانه‌تکانی پیش از نوروز	آماده‌کردن خانه برای سال تازه؛ از رسم‌های نوروزی. [۹]	تقسیم برابر کار خانه و پرهیز از اسراف آب و مصرف.
هفت‌سین و سبزه نوروز	چیدن سفره با عناصر نمادین؛ اجزا و کتاب همراه آن در خانواده‌ها تفاوت دارد. [۱۹]	پذیرش تنوع و توجه به حیات و رویش؛ پرهیز از آسیب به جانوران و طبیعت.
دیدوبازدید و عیدی نوروز	دیدار خانواده و نزدیکان و هدیه‌دادن، به‌ویژه به کودکان. [۹]	هدیه متناسب با توان، کتاب و فرصت یادگیری؛ احترام به حریم و انتخاب فرد.

سنت و موقعیت	شرح و دامنه	بازخوانی اخلاقی پیشنهادی
نوروزخوانی پیش از بهار	خواندن ترانه‌های بشارت بهار؛ دارای صورت‌های منطقه‌ای. [۹]	حمایت از هنرمند محلی و حفظ زبان و روایت او.
حاجی فیروز روزهای پیش از نوروز	شخصیت نمایشی و شادی‌آور نوروزی؛ درباره منشأ آن فرضیه‌های متفاوتی وجود دارد. [۲۲]	حفظ موسیقی و نمایش با احترام به کرامت انسان؛ بازنگری در بازنمایی تحقیرآمیز.
میر نوروزی سنت تاریخی نوروز	فرمانروایی موقت و نمایشی در برخی مناطق؛ ادامه تاریخی آن یکسان نبوده است. [۲۳]	فرصتی برای طنز قدرت و یادآوری موقتی‌بودن مقام؛ اجرای امروز با انتخاب آزاد.
قاشق‌زنی چهارشنبه‌سوری	رسم مراجعه به در خانه‌ها و دریافت خوراک یا هدیه، در برخی مناطق. [۱۴]	بخشندگی همراه با رضایت صاحب‌خانه و رعایت امنیت کودک.
شال اندازی رسم‌های پیش از نوروز	گرفتن هدیه با شال در بعضی رسم‌های محلی چهارشنبه‌سوری. [۱۴]	شناخت میراث محل و احترام به حریم خانه و ایمنی.
تیر و باد تیرگان	بستن دستبند چندرشته و گشودن آن در روز باد؛ رسم زرتشتی ثبت‌شده در منابع. [۱۸]	آموزش تاریخ نمادها بدون اجبار و بدون ادعای اثر ماورایی.
خواندن شعر و قصه یلدا و گردهمایی‌ها	صورت‌های خانوادگی روایت، شعرخوانی و خاطره‌گویی در شب چله. [۱۱]	گفت‌وگوی نسل‌ها و شنیدن صدای سالمند و کودک، بدون تحمیل عقیده.
اسبندی کاشان و پیرامون آن	جشن آغاز اسفند در تقویم محلی؛ دارای ارتباط با کشاورزی و رسم‌های خانوادگی. با اسفند رسمی یکسان نیست. [۲۰]	ثبت تاریخ محلی با مشارکت مردم؛ پرهیز از معرفی یک رسم منطقه‌ای به عنوان رسم همگانی.

سنت و موقعیت	شرح و دامنه	بازخوانی اخلاقی پیشنهادی
شصت و ششی جرقویه اصفهان	جشن محلی با نام شصت و شش روز پس از نوروز؛ پژوهش جدید آن را با خردادگان مرتبط می‌داند. [۲۱]	شناخت تداوم و تغییر آیین، و احترام به ترکیب لایه‌های فرهنگی و مذهبی.
هیرمبا و نوسده صورت‌های محلی یا تاریخی	نمونه‌هایی مرتبط با جشن سده؛ زمان و شیوه برگزاری در گزارش‌ها متفاوت است. [۱۵]	حفظ تنوع روایت‌ها و سنجش استمرار هر رسم در محل، پیش از احیای عمومی.

وجود یک رسم در منبع تاریخی، به معنی رواج فعلی آن در سراسر ایران نیست. هیرمبا و نوسده نیز دو نمونه مرتبطاند و یک جشن واحد تلقی نمی‌شوند.

۹. هنر و مهارت در هویت ایرانی

ایرانی بودن تنها در تقویم جشن‌ها خلاصه نمی‌شود. نقالی، موسیقی، ورزش و مهارت‌های زندگی نیز حافظه و همکاری را منتقل می‌کنند. برای نمونه، یونسکو نقالی، موسیقی بخشی‌های خراسان و چوگان را در قالب‌های مشخص میراث ناملموس معرفی کرده است. بعضی از این سنت‌ها عناصر دینی یا عرفانی دارند. ارزش فرهنگی آنها را باید با همین تاریخ واقعی شناخت و امکان استفاده آموزشی و عمومی‌شان را جداگانه بررسی کرد. [۲۴]، [۲۵]، [۲۶]

آموزش شاهنامه می‌تواند به گفت‌وگو درباره قدرت، وفاداری و پیامد خطا راه ببرد؛ موسیقی محلی می‌تواند تفاوت زبان‌ها را به تجربه‌ای مشترک تبدیل کند؛ ورزش می‌تواند همکاری و احترام به قواعد را تمرین دهد. اینها پیشنهادها آموزشی‌اند. اگر روایت حماسی به نفرت از یک قوم، یا ورزش به تحقیر زن و طرد کودک کم‌توان تبدیل شود، باید روش اجرای آن اصلاح شود. حق انسان امروز، معیار انتخاب شیوه انتقال میراث است.

کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو درباره میراث ناملموس، سازگاری با حقوق بشر، احترام متقابل و توسعه پایدار را در تعریف میراث مورد حمایت دخیل می‌داند. این معیار برای بازسازی ایرانی نیز سودمند است: از گذشته می‌آموزیم و هم‌زمان اجازه می‌دهیم سنت با زندگی آزاد و عادلانه امروز سازگار شود. [۲۷]

جدول ۵. نمونه‌های میراث روایی هنری و اجتماعی

میراث	جایگاه مستند	کاربرد مدنی پیشنهادی
نقالی	روایت نمایشی ایرانی؛ ثبت در فهرست نیازمند پاسداری فوری یونسکو در ۲۰۱۱. [۲۴]	خواندن انتقادی داستان‌ها و تقویت بیان، شنیدن و گفت‌وگو.
موسیقی بخشی‌های خراسان	دوتار و روایت شعرها؛ دارای لایه‌های دینی و عرفانی. ثبت یونسکو در ۲۰۱۰. [۲۵]	حمایت از انتقال مهارت، هنرمند محلی و تنوع زبانی.
چوگان	بازی سوارکاری همراه موسیقی و داستان‌گویی؛ ثبت یونسکو در ۲۰۱۷. [۲۶]	ورزش قانونمند، مراقبت از حیوان و دسترسی منصفانه به فعالیت فرهنگی.
شعرخوانی خانوادگی	از صورت‌های فرهنگی گردهمایی یلدا. [۱۱]	تقویت رابطه نسل‌ها و امکان تفسیر و نقد آزاد.
سفره و یاری مشترک گاهنبار	کمک و گردهمایی در سنت زرتشتی. [۸]، [۱۶]	همکاری داوطلبانه با حفظ کرامت و بدون شرط‌گذاری دینی.
جشن محصول و هنرهای جمعی مهرگان	در پرونده یونسکو، برداشت و مشارکت جامعه با اجراهای فرهنگی پیوند دارند. [۱۳]	قدرشناسی از کشاورز، تبادل دانش و همکاری منصفانه محلی.

این جدول نمونه‌ها را نشان می‌دهد و فهرست کامل هنرها، صنایع دستی و آیین‌های اجتماعی ایران نیست. بعضی ردیف‌ها، بُعد اجتماعی جشن‌های جدول‌های پیشین را توضیح می‌دهند.

۱۰. فروهر و وفاداری شخصی به آیین ایرانی

من انسانی غیرمذهبی‌ام، اما ایرانی‌ام. فروهری که بر گردن می‌آویزم برای من نشانه وفاداری به فرهنگ ایران و تعهد به زندگی پاک و مسئولانه است. این انتخاب شخصی، ادعای برتری بر ایرانی دارای نمادی دیگر نیست. وقتی از پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک سخن می‌گوییم، می‌خواهم این یادآوری را به رفتار خود پیوند بزنم: با دقت بیندیشم، دروغ نگویم، و در برابر انسان و طبیعت مسئول باشم.

از نظر تاریخ هنر، شناسایی دقیق پیکره در نشان بالدار هخامنشی محل اختلاف پژوهشی است. خوانش‌های مربوط به تصویر الهی، فرّ و مشروعیت شاهی مطرح شده‌اند و نباید یک تعبیر امروزی را معنای قطعی همه نمونه‌های باستانی دانست. در آموزش جامعه زرتشتی معاصر نیز فروهر هم به عنوان نماد دینی و هم به عنوان نشانی فرهنگی معرفی می‌شود. این تفاوت میان تفسیر تاریخی و کاربرد امروز، با معنای شخصی من از نشان سازگار است. [۲۸]، [۲۹]

تصویر هنری همراه مقاله، همین تعهد شخصی را بازنمایی می‌کند. چهره و نشان، از عکس‌های من الهام گرفته‌اند و صورت‌بندی تصویر آرمانی و هنری است. انرژی برای فردای ایران باید در کار، یادگیری و ساختن دیده شود. گردن‌آویز، جانشین درستکاری نیست؛ تعهدی است که باید هر روز دوباره به آن وفا کرد.

۱۱. کوروش و پهلوی در بازسازی اخلاق ملی

کوروش بزرگ و تجربه تاریخی ایران می‌توانند سرچشمه الهام ملی باشند. اما تاریخ‌نگاری دقیق به ما اجازه نمی‌دهد همه مفاهیم حقوقی امروز را به یک پادشاه باستانی نسبت دهیم. موزه بریتانیا درباره استوانه کوروش هشدار می‌دهد که مفهوم حقوق بشر به معنای امروزی، متعلق به جهان فکری آن دوره نبود. می‌توان از یک میراث تاریخی الهام گرفت و هم‌زمان حدود سند و تفاوت زمانه را شناخت. برابری زن و مرد و آزادی وجدان امروز باید با قانون و نهادهای امروز تضمین شود. [۳۰]

در برداشت سیاسی من، شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند حافظه تاریخی و امید به بازسازی کشور را به همکاری ملی پیوند دهد. دفاع از او وقتی مسئولانه است که حقوق مخالفان، رأی مردم و پاسخگویی قدرت را به همان اندازه جدی بگیریم. در مقاله «سخنرانی و رفتار سخنرانان در جنبش شیر و خورشید» نیز بر متانت،

دادخواهی مستند و پرهیز از دشمن‌سازی میان ایرانیان تأکید کرده‌ام. وفاداری سیاسی باید با همین منش
سنجیده شود. [۳]

پهلوی پلاس در کتاب «مردم من» با نوسازی و سازمان‌یابی ملی در کنار رضایت دموکراتیک، شهروندی برابر
و قدرت پاسخگو توضیح داده شده است. احیای شکوه تاریخی بدون این شروط، پاسخ مسئله امروز ایران
نیست. چارچوب رسمی پروژه شکوفایی ایران نیز بر اصولی چون جدایی دین از حکومت، آزادی‌های فردی و
انتخاب دموکراتیک نوع حکومت تأکید می‌کند و بازسازی را در حوزه‌های اجرایی توضیح می‌دهد. برنامه
فرهنگی پیشنهادی این مقاله، برداشت و پیشنهاد من است و نباید برنامه رسمی اعلام‌شده شاهزاده تلقی شود.
[۲]، [۳۱]

۱۲. منش ایرانی و حقوق انسان امروز

من از مکتبی سخن می‌گویم که به ایرانی امکان دهد برای اخلاق، احساس تعلق و معنای زندگی، منابعی غنی
در فرهنگ خود بیابد. این غنا می‌تواند نیاز به یک مرجع دینی تحمیل‌گر را کاهش دهد؛ اما ادعای اینکه چنین
مکتبی حتماً افراط‌گرایی را کاهش می‌دهد، باید آزموده شود. هدف پیشنهادی، توانایی زیستن اخلاقی با آزادی
وجدان است. مؤمن می‌تواند ایمان خود را حفظ کند و نامؤمن نیز برای اخلاقی‌بودن، نیازمند تظاهر به ایمان
نباشد.

سه‌گانه پندار، گفتار و کردار نیک را می‌توان به مسئولیت‌های روشن ترجمه کرد. پندار نیک در زندگی امروز،
شامل سنجش شاهد، قبول امکان خطا و پرهیز از پیش‌داوری است. گفتار نیک، راست‌گویی و نقد محترمانه را
می‌طلبد و با پنهان کردن فساد سازگار نیست. کردار نیک در حقوق برابر، کار مسئولانه، وفای به قرارداد و
مراقبت از زیست‌بوم آشکار می‌شود. این ترجمه، انتخاب اخلاقی معاصر من از یک میراث است؛ ادعای
یکسان‌بودن تمام ارزش‌های باستان و امروز نیست.

برابری زن و مرد، حق مستقل انسان است. زن نباید فقط در مقام مادر، همسر یا نگهبان سنت احترام ببیند؛
حق انتخاب پوشش، تحصیل، کار، مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری درباره زندگی خود را دارد. کودک نیز صاحب
حق است، نه ابزار نمایش وفاداری خانواده. کنوانسیون حقوق کودک بر منفعت عالی کودک، شنیده‌شدن او،

حفاظت از خشونت و آزادی اندیشه و وجدان تأکید می‌کند. آموزش فرهنگ باید با سن و توان او متناسب و از اجبار و ترساندن دور باشد. [۴]، [۳۲]

احترام به سالمند نیز باید از تشریفات فراتر برود. استقلال، مشارکت، مراقبت، شکوفایی و کرامت، محورهای اصول سازمان ملل برای سالمندان‌اند. سالمند باید درباره زندگی و مراقبت خود نظر داشته باشد؛ خدمت به او نباید به حذف صدایش منجر شود. دسترسی افراد دارای معلولیت، احترام به تفاوت زبان و باور، و حمایت از انسان آسیب‌پذیر نیز باید در طراحی جشن و فضای عمومی دیده شود. [۳۳]

ایران معبد ماست هنگامی معنای عملی دارد که رودخانه را به زباله‌دان تبدیل نکنیم، برای نمایش، حیوان را آزار ندهیم و شادی خود را بر رنج همسایه بنا نکنیم. حرمت طبیعت را باید با علم همراه کرد: مصرف آب سنجیده، حفاظت از زیستگاه، مراقبت از درخت پس از کاشت و پاسخگویی درباره آلودگی. میراث احترام به آب یا گیاه، الهام‌بخش است؛ تصمیم درباره مدیریت آنها به داده، دانش و مشارکت عادلانه نیاز دارد.

۱۳. پاسخگویی و معنای شرم اخلاقی

در جامعه‌ای سالم، دروغ، اختلاس و تجاوز به حق دیگران باید اعتبار اجتماعی مرتکب را کاهش دهد. این همان شرم اخلاقی است که من در بازسازی ایران به آن نیاز می‌بینم. موضوع آن، رفتار زیان‌بار و مسئولیت اثبات‌شده است. نباید انسان به سبب دین، تبار، جنسیت یا نقد حکومت تحقیر شود. اتهام فساد نیز بدون رسیدگی مستقل و حق دفاع، ابزار قابل اعتمادی برای اصلاح جامعه نیست.

درستکاری با شعار تضمین نمی‌شود. بودجه شفاف، دسترسی به اطلاعات، حسابرسی مستقل، دادگاه عادلانه، رسانه آزاد، حفاظت از گزارشگر فساد و قواعد روشن تضاد منافع، باید هزینه سوءاستفاده را بالا ببرند. چنین ساختاری، شهروند درستکار را تنها نمی‌گذارد. نماد ملی و تربیت اخلاقی می‌توانند پشتیبان آن باشند؛ اما کار قانون، قرارداد و نظارت را خود انجام نمی‌دهند. این رابطه میان عاطفه ملی و نهادسازی، از محورهای «مردم من» است. [۲]

ایرانی خوب را نباید با ظاهر، گردن‌آویز یا یک شعار تشخیص داد. معیار، احترام به حق دیگران و سهم مسئولانه در زندگی مشترک است. وفاداری به ایران باید حتی در برخورد با مخالف من دیده شود: حق نقد،

امنیت، دادخواهی و امکان مشارکت او محفوظ بماند. جامعه‌ای که فقط برای همفکران خود محبت دارد، هنوز به اخلاق مشترک نرسیده است.

۱۴. برنامه عملی برای فرهنگ و بازسازی

برای تبدیل این دیدگاه به تجربه اجتماعی، مدرسه، خانواده، انجمن محلی، هنرمند و مدیریت شهری می‌توانند همکاری کنند. آموزش باید تاریخ را با منابع و اختلاف نظرها نشان دهد و مشارکت در آیین را اجباری نکند. هر شهر و روستا باید درباره شکل مناسب برنامه با مردم خود گفت‌وگو کند. هزینه‌ها نیز باید روشن باشند تا جشن فرهنگی به ابزار تبلیغات مقام‌ها یا امتیازگیری گروه‌ها تبدیل نشود.

جدول ۶ مجموعه‌ای از پیشنهادهای اجرایی است. این پیشنهادها به معنی آن نیست که یک جشن تاریخی برای همین هدف پدید آمده است. پیوند امروز میان میراث و مسئولیت، انتخابی آگاهانه است. برای مثال، بزرگداشت آب می‌تواند فرصتی برای انتشار داده‌های محلی مصرف و آموزش حفاظت از رودخانه باشد؛ اما نتیجه را باید با داده سنجید، نه با تعداد پوستر و شعار.

جدول ۶. پیوند پیشنهادی میراث با مسئولیت و ارزیابی

فرصت فرهنگی	اقدام پیشنهادی	معیار ارزیابی
نوروز و خانه‌تکانی	تقسیم برابر کار خانه؛ دیدار داوطلبانه با افراد تنها؛ اهدای کتاب با رضایت دریافت‌کننده.	مشارکت زنان و مردان؛ رضایت افراد؛ استمرار ارتباط پس از جشن.
چهارشنبه‌سوری	برنامه شادی با مشارکت مردم، آموزش ایمنی و توجه به کودک و جانور و حق همسایه.	آسیب‌ها و شکایت‌ها؛ دسترسی ایمن؛ کیفیت تجربه شرکت‌کنندگان.
سیزده‌به‌در	پاک‌ماندن محل، جمع‌آوری زباله و حفاظت از پوشش گیاهی و زیستگاه.	زباله باقی‌مانده و آسیب به محل؛ کیفیت مدیریت و آموزش.

فرصت فرهنگی	اقدام پیشنهادی	معیار ارزیابی
تیرگان و آبانگان	گفت‌وگوی محلی درباره آب؛ انتشار داده‌های قابل اتکا و اجرای برنامه حفاظت با متخصصان.	مصرف و اتلاف آب؛ کیفیت و استمرار اقدام؛ رعایت عدالت در دسترسی.
امردادگان و مهرگان	مراقبت از درخت متناسب با اقلیم؛ حمایت منصفانه از تولید و تبادل دانش کشاورزی.	بقای گیاه پس از یک سال؛ مصرف آب؛ رضایت و مشارکت کشاورزان.
یلدا و گاهنبار	دیدار بین نسل‌ها و یاری داوطلبانه بدون شرط دینی؛ شنیدن خواست فرد سالمند.	احساس تنهایی و رضایت؛ استمرار حمایت؛ حفظ استقلال فرد.
سپندارمذگان	گفت‌وگو درباره حقوق برابر و تقسیم مسئولیت؛ دسترسی برابر به فرصت‌های فرهنگی.	مشارکت و اختیار زنان؛ گزارش تبعیض؛ تغییر رویه‌های نابرابر.
هنر روایی و جشن محلی	آموزش انتقادی تاریخ، حمایت از هنرمند و زبان محلی و دسترسی کودک و فرد دارای معلولیت.	تنوع مشارکت؛ کیفیت یادگیری؛ دسترسی و رضایت؛ امکان نقد آزاد.

پیشنهادهای باید متناسب با محل و با رضایت جامعه طراحی شوند. ثبت و ارزیابی نیز باید داوطلبانه، با حفظ حریم خصوصی و بدون درجه‌بندی وفاداری شهروندان باشد.

اگر هدف، افزایش اعتماد و کاهش تعصب است، باید اثر برنامه‌ها به صورت مستقل بررسی شود. می‌توان پیش و پس از اجرا، و در مقایسه با مناطق مشابه، احساس تعلق، احترام به تفاوت، رفتار همکاری و پیامدهای عملی را سنجید؛ با توجه به محدودیت نمونه و عوامل دیگر. رضایت مردم، ایمنی و حقوق افراد، شرط ادامه برنامه‌اند. نتیجه نامطلوب باید به اصلاح روش بینجامد. فرهنگ آگاهانه، از بررسی و نقد نمی‌ترسد.

بازسازی ایران به نیروی عاطفه و نیروی عقل با هم نیاز دارد. محبت به وطن می‌تواند انگیزه کار بدهد؛ علم و قانون باید آن کار را درست و پایدار کنند. ایرانی‌بودن برای من تعهدی است که در محیط کار، خانواده، محله و عرصه عمومی ادامه می‌یابد. هر جشن، می‌تواند یادآوری این تعهد باشد و هر روز عادی، فرصت عمل به آن.

۱۵. ایرانی بودن به مثابه مسئولیت مشترک

من «ایران معبد ماست» را دعوتی به ساختن چنین فرهنگی می‌دانم: فرهنگی که انسان را به ریشه‌های خود متصل کند و توان زیستن در جهان امروز را نیز به او بدهد. این ایرانی‌بودن، از تاریخ و هنر و زبان و آیین تغذیه می‌کند و ارزش خود را در زندگی مردم نشان می‌دهد. مدرسه امن، بیمارستان کارآمد، رودخانه زنده، زن آزاد، کودک برخوردار از حق و سالمند دارای کرامت، صورت‌های ملموس وفاداری به ایران‌اند.

انسان ایرانی می‌تواند مسلمان، زرتشتی، یهودی، مسیحی، پیرو باوری دیگر یا غیرمذهبی باشد و در این مسئولیت مشترک شریک شود. آنچه ما را در زندگی عمومی به هم پیوند می‌دهد، حقوق برابر و تعهد به درستکاری است. من می‌خواهم فرهنگ ایرانی چنان غنی و زنده باشد که هیچ‌کس برای اخلاقی‌زیستن ناچار به پناه‌بردن به افراط‌گرایی نشود؛ و اگر دین دارد، آن را با محبت، آزادی وجدان و احترام به حریم دیگران زندگی کند. تحقق این امید، به تربیت و نهاد و تلاش پیوسته وابسته است.

فروهر بر گردن من، یادآور همین مسئولیت است. من ایرانی‌ام؛ پس سهم خود را در ساختن ایران ادا می‌کنم. راست می‌گویم، حق دیگری را رعایت می‌کنم، به خطای خود رسیدگی می‌کنم و برای نگهداشتن این خاک و زندگی مردمانش کار می‌کنم. حرمت ایران با چنین کرداری زنده می‌ماند.

منابع

منابع برخط در ۹ اکتبر ۲۰۲۶ بررسی شده‌اند. ارجاع‌های عددی در متن و جدول‌ها به این فهرست پیوند دارند. اسناد جامعه زرتشتی برای توصیف سنت معاصر آن جامعه به کار رفته‌اند؛ پیشنهاد‌های مدنی مقاله دیدگاه نویسنده‌اند.

۱. کارزار رسمی ایران رو پس می‌گیریم. صفحه فارسی؛ عبارت ایران معبد ماست با نام شاهزاده رضا پهلوی.

باز کردن منبع ۱

۲. بخشایش، پیمان. مردم من. نسخه فارسی، ۲۰۲۶؛ به‌ویژه مقدمه و بحث هویت ملی، اخلاق مدنی و شهروندی برابر.

باز کردن منبع ۲

۳. بخشایش، پیمان. سخنرانی و رفتار سخنرانان در جنبش شیر و خورشید. وبسایت نویسنده، ۲۰۲۶.

باز کردن منبع ۳

۴. سازمان ملل متحد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸؛ مواد ۱، ۲، ۷، ۱۸ و ۱۹.

باز کردن منبع ۴

۵. کتابخانه سمعی بصری حقوق بین‌الملل سازمان ملل. اعلامیه رفع همه اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا باور؛ توضیح حقوقی و پیشینه قطعنامه ۱۹۸۱.

باز کردن منبع ۵

۶. کنوالتینکا و همکاران، ۲۰۱۱. هم‌زمانی برانگیختگی میان اجراکنندگان و تماشاگران مرتبط در آیین راه‌رفتن بر آتش.

PNAS، ۱۰۸، ۸۵۱۴ تا ۸۵۱۹. شناسه DOI: 10.1073/pnas.1016955108

باز کردن منبع ۶

۷. بویس، مری. جشن‌ها بخش اول تاریخچه. دانشنامه ایرانیکا، ۱۹۹۹؛ به‌روزرسانی ۲۰۱۶.

باز کردن منبع ۷

۸. بویس، مری. گاهنبار. دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۰؛ به‌روزرسانی ۲۰۱۶.

باز کردن منبع ۸

۹. دانشنامه ایرانیکا. نوروز بخش دوم در دوره اسلامی؛ تاریخ تداوم و صورت‌های اجتماعی جشن.

باز کردن منبع ۹

۱۰. یونسکو. روز بین‌المللی نوروز؛ گرامی‌داشت ۲۱ مارس و پیشینه شناسایی بین‌المللی.

باز کردن منبع ۱۰

۱۱. یونسکو. یلدا چله؛ پرونده ۰۱۸۷۷، ثبت مشترک ایران و افغانستان، ۲۰۲۲.

باز کردن منبع ۱۱

۱۲. یونسکو. جشن سده سدا؛ پرونده ۰۱۷۱۳، ثبت مشترک ایران و تاجیکستان، ۲۰۲۳.

باز کردن منبع ۱۲

۱۳. یونسکو. مراسم مهرگان، پرونده ۰۲۱۴۴، ایران و تاجیکستان، ۲۰۲۴؛ همراه با شرح در صفحه کمیته میراث ناملموس ۲۰۲۴.

باز کردن منبع ۱۳ پرونده ثبت

۱۴. دانشنامه ایرانیکا. چهارشنبه‌سوری؛ گزارش صورت‌های محلی و بحث منشأ تاریخی.

باز کردن منبع ۱۴

۱۵. کراسنووولسکا، آنا. جشن سده. دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۹.

باز کردن منبع ۱۵

۱۶. فدراسیون انجمن‌های زرتشتی آمریکای شمالی، FEZANA. درس‌نامه جشن‌ها برای پایه‌های ۶ تا ۸؛ جشن‌های ماهانه، سالانه و گاهنبارها. منبع توصیف سنت معاصر جامعه زرتشتی.

باز کردن منبع ۱۶

۱۷. FEZANA. واژه‌نامه مفاهیم و جشن‌های زرتشتی؛ منبع شرح دینی نام‌ها در سنت معاصر.

باز کردن منبع ۱۷

۱۸. دانشنامه ایرانیکا. هفت؛ از جمله گزارش رسم دستبند تیر و باد در تیرگان.

باز کردن منبع ۱۸

۱۹. شهبازی، علیرضا شاپور. هفت‌سین. دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۲؛ به‌روزرسانی ۲۰۱۷.

باز کردن منبع ۱۹

۲۰. برجیان، حبیب. کاشان بخش ششم جشن اسبندی. دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۱۲؛ به‌روزرسانی ۲۰۱۷.

باز کردن منبع ۲۰

۲۱. برجیان، حبیب، ۲۰۲۵. شصت‌وششی جشن خردادگان در جرقویه اصفهان. Iranian Studies؛ انتشار برخط ۱۱

نوامبر ۲۰۲۵. شناسه DOI: 10.1017/irn.2025.10082.

باز کردن منبع ۲۱

۲۲. امیدسالار، محمود. حاجی‌فیروز. دانشنامه ایرانیکا؛ بررسی شخصیت نمایشی نوروز و فرضیه‌های منشأ آن.

باز کردن منبع ۲۲

۲۳. دانشنامه ایرانیکا. میر نوروزی؛ تاریخ رسم فرمانروایی موقت و نمایشی.

باز کردن منبع ۲۳

۲۴. یونسکو. نقالی روایت نمایشی ایرانی؛ پرونده ۰۰۵۳۵، فهرست نیازمند پاسداری فوری، ۲۰۱۱.

باز کردن منبع ۲۴

۲۵. یونسکو. موسیقی بخشی‌های خراسان؛ پرونده ۰۰۳۸۱، ثبت ۲۰۱۰.

باز کردن منبع ۲۵

۲۶. یونسکو. چوگان بازی سوارکاری همراه موسیقی و داستان‌گویی؛ پرونده ۰۱۲۸۲ و تصمیم 12.COM 11.b.14، ثبت

۲۰۱۷.

باز کردن منبع ۲۶

۲۷. یونسکو. کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس، ۲۰۰۳، ماده ۲؛ سازگاری میراث با حقوق بشر، احترام متقابل و توسعه پایدار.

باز کردن منبع ۲۷

۲۸. یونکر، لوئیس سی.، ۲۰۲۰. آمیختگی تصویر الهی و شاهی در نشان بالدار هخامنشی. متن ارائه دانشگاهی منتشرشده در SBL Central؛ منبع بحث اختلاف تفسیرهای تاریخی، نه سند اجماع پژوهشی.

باز کردن منبع ۲۸

۲۹. بختیاری، سوسن؛ ویرایش هیلدا کسروی. درس‌نامه فروهر، ۲۰۲۲، FEZANA؛ توضیح کاربرد دینی و فرهنگی معاصر نشان.

باز کردن منبع ۲۹

۳۰. موزه بریتانیا. استوانه کوروش؛ شماره مجموعه 1880,0617.1941؛ توضیح بافت تاریخی و نسبت آن با تعبیر حقوق بشر امروزی.

باز کردن منبع ۳۰

۳۱. کارزار رسمی ایران رو پس می‌گیریم. پروژه شکوفایی ایران؛ صفحه فارسی و چارچوب دوران اضطرار، نسخه معرفی‌شده اسفند ۱۴۰۴.

باز کردن منبع ۳۱

۳۲. سازمان ملل متحد. کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹؛ متن منتشرشده در یونیسف، به‌ویژه مواد ۳، ۱۲، ۱۴، ۱۹ و ۳۱.

باز کردن منبع ۳۲

۳۳. سازمان ملل متحد. اصول سازمان ملل برای سالمندان، ۱۹۹۱، پیوست قطعنامه ۴۶/۹۱؛ استقلال، مشارکت، مراقبت، شکوفایی و کرامت.

باز کردن منبع ۳۳